

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«شورای عالی حوزه علمیه»

«مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران»

«مدرسه علمیه حضرت حجت (ع)»

عنوان مقاله:

«اصول حاکم بر روابط زنان و مردان در جامعه از دید گاه آیات و روایات»

گرد آورنده:

«زهرا خاتون ثابتی – هفتم پاره وقت»

«مرداد ۱۴۰۳ – سطح دو»

چکیده

به واسطه ی افزایش مناسبات اجتماعی و اقتصادی و در پی آن گسترش حضور زنان در عرصه ی جامعه مسئله ی اصول و مبنای ارتباط میان زن و مرد بیش از گذشته مطرح است. اسلام حقیقی برخلاف برداشت گروههای افراطی با حضور زنان در اجتماع و فعالیتهای اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... به هیچ وجه مخالف نیست، اما حضور بدون ضابطه را هم قبول ندارد و فساد و بی بندوباری را از نقشه های شوم دشمنان و شیاطین برای جلوگیری از رشد معنوی و اجتماعی جامعه اسلامی و مسلمانان می داند و با آن مبارزه می کند. اسلام برای نحوه ی ارتباط زن و مرد اصولی را تعیین فرموده و عمل به این اصول ضامن تعالی و رشد جامعه ی اسلامی است. یکی از توطئه های دشمنان اسلام که از دیرباز برای متوقف کردن نسلهای فعال در جوامع انجام شده، ترویج اباحه گری در مسئله ی رابطه ی زن و مرد است. متأسفانه باید گفت، در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز این نقشه به ثمر نشست است. یکی از دلایل این انحراف بی اطلاعی افراد از اصول مترقی اسلام در این زمینه است. همزمان با گسترش رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی و با رواج استفاده از شبکه های اجتماعی و فضای مجازی در جامعه و دسترسی آسان فیلم و تصویر در این فضا تلاشهایی برای سوء استفاده از این ابزارها از سوی مغرضان و جاهلان صورت گرفته است، آنچه در سالهای اخیر مشاهده می گردد، کم رنگ شدن عفت و حیا در این فضاها است. به همین جهت باید دقت مضاعفی در شناخت و اجرای مبنای مترقی دین مبین اسلام به کار بست تا سبک زندگی اسلامی در همه ی ارتباطها و تعاملات اجتماعی بین زن و مرد رعایت شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی اصول حاکم بر روابط زن و مرد در اجتماع از دیدگاه اسلام با بهره گیری از آیات و روایات و تفاسیر علما و به روش نقلی و حیانی و به روش گردآوری کتابخانه ای تنظیم شده است. اسلام برای هر نوع حضور اجتماعی زن و مرد و معاشرت با هم بایدها و نبایدهای اخلاقی توصیه می نماید و بر این نکته تاکید دارد که باید از هر آنچه منجر به فساد و فتنه شود، اجتناب کرد نهی از تبرج، رعایت حیا، عفاف در جامعه از ان اصول است که روح معارف اسلام و سیره عملی معصومین (ع) آن را تاکید و تقریر می کند، بنابراین اگر زنان و مردان بر پایه اصول اسلامی و به دور از هر گونه جنسیت محوری وارد عرصه اجتماع شوند، آسیب های اجتماعی ناشی از ارتباط غیرمسئولانه زن و مرد کاهش یافته و مقدمات شکل گیری آرمان شهر و تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد آمد.

واژگان کلیدی: تبرج، حیا، عفاف، حجاب، اختلاط زن و مرد

ارتباط اجتماعی انسانها از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر است، در عصر حاضر با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و اقتضائات جدید و حضور زنان در جامعه به شکل گسترده‌ای افزایش یافته و رابطه زنان مردان در هم تنیده است و مساله ارتباط سالم و صحیح میان زن مرد به عنوان یکی از بارزترین دغدغه‌های متشرعین مطرح شده است؛ زیرا انواع روابط میان دو جنس مخالف در میان اقوام و خویشاوندان در رفت و آمدهای فامیلی و نیز در سطح جامعه صورت می‌گیرد؛ اسلام حضور بی ضابطه زن و مرد را قبول ندارد اسلام در مواجهات اجتماعی زنان و مردان اصول و مبانی را تعیین کرده است که رعایت آنها سبب رشد و تعالی جامعه است، در مقابل رعایت نکردن این اصول زیانهای دنیوی و اخروی متعددی را به بار می‌آورد، شاید بتوان گفت مهمترین زیان دنیوی اختلاط زن و مرد ازهم پاشیدگی نظام خانواده کاهش جمعیت و افزایش آسیبهای اجتماعی است و آنچه هم اکنون در جوامع غربی و غرب زده که در آن به اصول دینی در روابط بین زن و مرد عمل نمی‌شود، مشاهده می‌گردد، از همین جا ناشی می‌شود؛ از این رو مساله ارتباط زن و مرد از مسائل مهم مورد ابتلاست، با عنایت به اینکه اسلام دین جامع و جهانی است و پاسخگوی هر یک از نیازهای بشر است و در آموزهای خود از مقتضیات زمانه نیز غافل نیست حال پرسش این است. اصول ارتباط مردان و زنان از دیدگاه قران روایات چگونه است؟ به طور حتم اسلام دیدگاه واقعبینانه و منصفانه‌ای در این موضوع دارد که برای نسل امروز درعین اینکه سعادت آفرین است، راهگشا و هدایتگر نیز می‌باشد، در این خصوص پژوهش‌هایی به رشته تحریر درآمده است، مانند کتاب احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آن سید مسعود معصومی، ۱۳۷۳ دفتر انتشار اسلامی حوزه علمیه قم. پایان نامه سبک زندگی اسلامی با رویکرد معاشرت با نامحرم از منظر آیات و روایات زهرا سلکی ۱۳۹۳ دانشگاه الهیات دانشگاه قم. آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم ثریا هراتی بیرانوند ۱۳۸۷ دانشگاه پیام نور تهران از جمله پژوهش‌هایی است که در این موضوع انجام گرفته است. در اکثر پژوهش‌ها به بررسی یک اصل به طور اختصاصی پرداخته است، مثلاً نهی از تبرج، عفاف، حجاب و یا اختلاط زنان و مردان در جامعه و روی سخن با زنان است و به مردان کمتر توجه شده است که چگونه می‌بایست رفتار کنند، نوآوری پژوهش حاضر در این است که کلیه اصول حاکم بر روابط بین زن و مرد نامحرم در جامعه مانند اصل نهی از تبرج و رعایت اصل حیا، عفاف، حجاب و مواردی که زیر مجموعه آن قرار می‌گیرد، مانند نهی از زینت، نهی از گفتار عشوه گرانه، منع نگاه هرزه، متانت وقار در رفتار، نه حبس نه اختلاط بلکه حریم در جامعه مورد بررسی قرار گرفته است و روی سخن هم با زنان و هم با مردان در جامعه است، این کاری است که این پژوهش مسئولیت انجام آن را بر عهده دارد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱-۱. **تبرج**: در کهن ترین متن **لغوی** یعنی کتاب العین آمده است، آنگاه که زن زیباییهای گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می شود، تبرج کرده، **تَبَرَّجَ** خودنمایی و آشکار کردن زینت های زنانه در انظار عمومی است. تبرج از واژه برج به معنای «بروز و ظهور» گرفته شده است.^۲ راغب اصفهانی برج را به معنای قصر دانسته و بروج آسمانی را نیز برگرفته از همین معنا برمی شمارد.^۳ او «ثوب مُبَرَّج» را لباسی دانسته که صورت های بروج آسمانی بر آن نقش بسته و زیباست و **تَبَرَّجَ** زن در اظهار زیبایی هایش بدان تشبیه شده است؛ بر همین اساس، **تَبَرَّجَ** زن را به معنای اظهار زیبایی (دست و صورت) وی دانسته اند.^۴ در آیه ۳۳ سوره احزاب خطاب به همسران پیامبر (ص) از خودنمایی مانند دوران جهالت و آشکار کردن زینت های خود برای افراد نامحرم پرهیز داده است. اما در تفا سیر، همه زنان را مشمول این حکم دانسته اند. تبرج در اسلام حرام است و بر اساس شواهد قرآنی منحصر در زنان نیست.

۱-۱-۲. و در «اصطلاح» به اظهار شهوت انگیز نیکوییها و زیباییهای زنان در برابر مردان بیگانه گفته می شود که در رفتار، گفتار، حرکات یا هر عمل دیگری پدید آید. **تَبَرَّجَ** و دیگر هم خانواده های آن از همین باب سه بار در دو آیه قرآن به کار رفته اند (احزاب / ۳۳؛ نور / ۲۴، ۶۰)؛ همچنین در آیه (۳۱ و ۲۴ سوره نور) از اظهار زینت های زنان در برابر مردان بیگانه نهی شده که همان مفهوم **تَبَرَّجَ** است.

۱-۲-۱. **عفاف**: در «لغت» با فتح حرف اول از ریشه «عفت» است؛ «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة». **لَعَفَت** پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون خواهی شهوت جلوگیری شود، «عَفَّ عن الشيء ای امتنع عنه فهو عفيف». **لَعَفَفَ** از چیزی ورزید، یعنی از آن امتناع ورزید، پس او عفيف است. «الحياء الاستحياء و هو الانقباض و الانزوا عن القبيح مخافة الذم».^۱

۱-۲-۲. در «اصطلاح» حیا همان استحیا است، به معنای گرفتگی نفس و ترک عمل زشت به خاطر ترس از مذمت شدن، راغب اصفهانی این گرفتگی روح و نفس و ترک زشتی را به خاطر زشتی خود عمل می داند، نه برای ترس از مذمت مردم، غلمای اخلاق حیا را ملکه میدانند، نه حالت، در حالی که عفاف با تعبیر حالت یاد شده است، ملکه صفتی است که در نفس آدمی راسخ و استوار شده باشد و یا

^۱ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۶، ص ۱۱۵.

^۲ احمد بن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳۸.

^۳ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۱.

^۴ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۲۶۵.

^۵ ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۴۳.

^۶ مصطفوی، حسن، التحقيق، ج ۱، ص ۳۵۹.

^۷ المفردات، ص ۳۵۰.

^۸ فخر الدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۱.

^۹ همان، ج ۶، ص ۶۱۱.

^{۱۰} المفردات، ص ۱۴۰.

استعدادی است که در پرتو آن میتوان کاری را با مهارت و ذوق انجام داد؛ مانند استعداد ریاضیات.^۱ «هی الخلق الذی یصدر عنه الافعال المتوسط بین الفجور والخمود.» «عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می شود نه پرده دری می کند و نه گرفتار خمودی می شود.»

۱-۳-۱. حریم؛ که در لغت ریشه آن (ح ر م) است، به معنای چیزی است، مس و لمس آن حرام است و نباید به آن نزدیک شد، «الحریم الذی حرم مسته فلا یدنی منه»، حریم آن چیزی که تماس با آن حرام است، پس چیزی به آن نزدیک نمیشود. برای هر چیزی حریم مشخص میشود، به عنوان مثال حریم الدار، حریم خانه، حریم القوم، حریم قبیله، حریم البئر، حریم چاه، که از آن مقدار مشخص نمیتوان نزدیکتر شد؛ زیرا متعلق به صاحب آن شیء یا مکان است، حریم هر خانه ای که از در و دیوار آن آغاز میشود و نمیتوان بدون اذن صاحبخانه به آن نزدیکتر شد و باید حقوق اهل آن را مراعات نمود، مبحث حریم و حفظ آن هم به مردان و هم به زنان توصیه شده است.

۱-۳-۲. در «اصطلاح» که به مفهوم لغوی آن نزدیک است و مراد از آن محدوده خاصی از زمین اطراف مالی غیرمنقول (مانند خانه، چاه و قنات) است که صرف بهره‌برداری از آن یا بهره‌برداری کامل از آن منوط به در تصرف داشتن آن زمین است.^۴

۲- شرکت زن در اجتماع

اسلام به اهمیت و ارزش فوق العاده پاکی و لزوم قانونی بودن روابط جنسی زن و مرد چه به صورت نظر و چه به صورت لمس و چه به صورت شنیدن و چه به صورت همخوابگی توجه کامل دارد، به هیچ وجه راضی نمیشود، با هیچ نام و عنوانی خدشه ای بر آن وارد شود؛ اما دنیای امروز این ارزش فوق العاده انسانی را نادیده گرفته است و در عین اینکه دودش به چشمش میرود، نمیخواهد، به روی خود بیاورد. جهان امروز به نام «آزادی» زن و صریحتر آزادی روابط جنسی روح جوانان را سخت فاسد کرده است، به جای اینکه این آزادی به شکستن استعدادها کمک کند، به شکل دیگر و به صورت دیگر غیر آنچه در قدیم وجود داشت، نیروها و استعدادهای انسانی را هدر داده است و میدهد. زن از کنج خانه بیرون آمده، اما به کجا رو آورده است؟ به سینماها، کنار دریاها، حاشیه خیابانها، مجالس شب نشینی زن امروز به نام «آزادی» خانه را خراب کرده بدون اینکه مدرسه یا جای دیگر را آباد کرده باشد، اگر غلط نکنم، آنجا را نیز خراب کرده است، در اثر این بی بند و باری و دور افکندن قیود انسانی از راندمان تحصیل جوانان کاسته شده، جوانان از تحصیل و مدرسه فراری شده اند، جنایتهای عشقی فراوان شده بازار سینماها رونق گرفته جیب کارخانه داران مولد لوازم آرایشی پر شده ارزش رقاصها و رقاصه ها و کولیها صد برابر دانشمندان و متفکران و مصلحان اجتماعی

^۱ الاحسانى، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۷۲.

^۲ شیرازی، ملا صدرا، اسفار، ج ۲، ص ۳۸.

^۳ العین، ج ۳، ص ۲۲۲.

^۴ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۳۴.

شده، سرمشقی برای همگان در مسأله غیرت دینی و ناموسی است و نشان می دهد که در برابر اراذل و اوباش، منافقان کوردل و بیماردلان نباید بی تفاوت یا خونسرد باشند.^۱ این تعبیر به همراه آنچه در تاریخ از سیره پیامبر اکرم(ص) نقل شده، نشان می دهد که آن حضرت در این گونه موارد سختگیر بوده و با متخلفان برخورد شدید می کرد، که این مسأله، به عنوان فضیلتی اخلاقی و وظیفه اجتماعی پذیرفته شده است. آیه ۳۳ سوره یوسف، دومین مورد از این آیات است که به غیرت دینی یکی از بزرگترین پیامبران الهی، یعنی حضرت یوسف(علیه السلام) اشاره می شود، هنگامی که از سوی زنان هوس باز مصر مخصوصاً زلیخا مورد تهاجم قرار گرفت و از او خواستند تسلیم خواسته های نامشروع زلیخا یا تسلیم خواسته های نامشروع خودشان شود، یوسف که در سن جوانی و در برابر طوفان شهوات قرار داشت، به شدت مقاومت کرد تا آنجا که زندان را با همه رنجهایش بر تسلیم در برابر خواسته های آنها ترجیح داد و به درگاه پروردگار چنین عرضه داشت: (پروردگار من! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می خوانند و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من برنگردانی قلب من به آنها مایل می شود و از جاهلان خواهم بود)؛ «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛ این تعبیر هم از مقام عفت و عصمت یوسف حکایت می کند و هم از غیرت و پارسائی او.^۲

نتیجه گیری.

اسلام بسیار به روابط بین مرد و زن و رعایت حدود الهی در این زمینه اهمیت میدهد و علاوه بر عدم مخالفت با حضور زنان در اجتماع بهره مندی جنسی را صرفاً بر اساس اصول مشخصی مجاز میداند و با فحشا به طور جدی مخالف است. در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان میتواند، مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه ی اسلامی داشته باشد؛ ولی نه به صورت یک شیء، نه او حق دارد، خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند، در مورد آنچه را که به نام تفریحات شناخته شده است، اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن میکشاند، مبارزه میکند، یکی از مهمترین ابعاد سبک زندگی اسلامی چگونگی ارتباط زن و مرد در اجتماع است. حضور آزاد و تعامل بدون قید و شرط زن و مرد در جامعه در کنار یکدیگر با توجه به میل جنسی بشری و با در نظر گرفتن ویژگیهایی چون؛ تنوع خواهی و لذت طلبی انسان به ویژه در جنس مرد و تمایل به خودنمایی در زن زمینه ی آسیب پذیری اجتماعی را فراهم مینماید. از دیدگاه اسلام راه علاج هیجان غریزی زن و مرد در اجتماع وجود مرز و حدودی است که دو جنس در عین فعالیت اجتماعی در اخلاق معاشرتی خود به آن عمل کنند، که آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز بر آن تأکید دارد. مهمترین این اصول عبارتند، از نهی از هر گونه رفتار و کردار و پوشش متبرج برای انسان ها به خصوص زنان زیرا آنان در موضع دلبری و مردان شکار هستند، پس در آیات و روایات به پنهان کردن زینتها و ترک رفتارهایی بر

^۱ المیزان، ج ۱۶، ص ۴۷۰.

^۲ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۰۴.

خلاف عرف تاکید شده اند . رعایت اصل حیا عفاف و حجاب که با آیات قرآن ثابت شد و در روایات بر آنها تاکید شد، پاکدامنی شهوت را ناتوان می کند، حیا به عنوان موهبت فطری از مهم ترین عوامل رسیدن به ارتباط عفیفانه دو جنس در عرصه اجتماع است، بین صفت غیرت و عفت در وجود مرد رابطه ای دوسویه برقرار است. براین اساس خط مقدم مدیریت و صیانت از عرصه ی عفاف در روابط اجتماعی زن و مرد به مسئولیت و غیرت مرد نسبت به حریم خانواده بر می گردد. زنهار شدیدالحن امیرالمؤمنین(ع) خطاب به مردان و امر به غیرت در برابر زنانشان نیز از همین باب است. ارتباط در حد ضرورت و اختصار از بارزترین اصول نظام روابط اجتماعی زن و مرد است که تا حد امکان از مراوده با یکدیگر پرهیز نموده و ارتباط را به موارد ضروری و حد اختصار تقلیل دهند. حضرت زهرا میفرمایند: بهترین زنان انان هستند که هیچ مردی آنان را نبینند و آنها نیز هیچ مردی را نبینند. اسلام با حبس زن در خانه مخالف هست و حضور زن در اجتماع با رعایت حریم برای زنان و مردان را جایز می شمارد، اسلام اگرچه یک محدودیتی برای زن و مرد به وجود می آورد، اما اینها را شارع مقدس برای حفظ خانواده برای ماندگار شدن این بنای مهم تحکیم و تشریع کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند حکمتهای بسیار بزرگی را خواهد دید. اینکه شما میبینید در اسلام محرم و نامحرم و جدایی زن و مرد و اینها مطرح است، اینها مسائل ارتجاعی نیست؛ اینها جزو دقیق ترین مسائل انسانی و بشری است، یکی از مهمترین آن این است که بنیان خانواده مستحکم می ماند، چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری میکنند، در موضع حسادت قرار نمیگیرند، این خیلی مسئله ی مهمی است. این حجابی که اسلام درست کرده است، این نگاهی که اسلام منع کرده است، این معاشرتی که اسلام ممنوع قرار داده است، برای این است که شما دلهایتان و محبتهایتان روی یک نقطه متمرکز شود؛ هم خانمها و هم آقایان.

منابع.

قرآن

- ۱- نهج البلاغه، سید رضی ، محقق:صبحی صالح، هجرت، قم.
- ۲-امدی،عبدالواحد تمیمی، غرالحکم و درالحکم، تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۶۶.
- ۳-ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ابنالدار و تونسیه، تونس، ۱۹۸۴ هـ.
- ۴-ابن منظور، جمال الدین، دارصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴هـ.
- ۵-اشتهارد، علی پناه، مدارک العروه، دارالاسوه ، تهران، ۱۴۱۷ ق.
- ۶-آلوسی، محمود، روح المعانی ، جلد ۶، دارالاحیا التراث، بیروت، ۱۳۶۴ ش.

- ۷- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح حدیدی، جلد ۱۷، مترجم: غلامرضا لایقی، نیستان، اول، ۱۳۹۰، بیجا.
- ۸- الاحسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ج ۱ تحقیق: سید مرعشی، شیخ مجتبی عراقی، اول، سیدالشهدا، قم، ۱۴۰۳ ق.
- ۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، جلد ۷، مترجم عبدالعلی نور احراری ناشر مکتب البشر چاپ، اول، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۰- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر قرآن، مترجم: محمد رحمتی شهرضا جلد ۴، ناشر وحدت بخش چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۱- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، ۱۳۹۲.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، مبانی اخلاق، اسرا، پنجم، قم، ۱۳۸۵.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، اسرا، هفتم، قم، ۱۳۷۷.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه، ج ۱، محقق محمدرضا الحسینی الجلالی، چاپ اول، قم، بی تا.
- ۱۵- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۷، ناشر: اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۶- الدیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، آل البيت، قم، ۱۴۰۸.
- ۱۷- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، پیام، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المعجم المفردات فی غریب القرآن، نشر کتاب، اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۹- الرازی، محمد بن الزکریا، طب روحانی، ترجمه اساتید دانشگاه الزهراء، بی تا.
- ۲۰- رفیعی محسن، شریفی معصومه، اربعین حجاب، نشر جامعه زنان، دوم، ۱۳۸۹.
- ۲۱- زهیلی، وهبه، تفسیر المنیر، ج ۱۸، دارالفکر المعاصر، بیروت، دوم، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۲- سابق، فقه السنه، ج ۲، دارالکتاب العربی، بیروت، سوم، ۱۳۹۷.
- ۲۳- السجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ج ۲، محقق سعید محمد، الحام، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۰.
- ۲۳- سبحانی، جعفر، المبسوط فی اصول فقه، ج ۳، ناشر: موسسه امام صادق، نشر قم، چاپ اول، ۱۴۳۱.

- ۲۴- شریف رضی، المجازات النبویه، تحقیق طه محمد الزینی، قم، مکتبه بصیرتی، بی تا.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسفار، ج ۲، ترجمه خواجهی، طلعه نور، چاپ اول، ۱۴۴۰ق.
- ۲۵- صدوق، ثواب الاعمال، منشورات الرضی، دوم قم، ۱۳۶۸.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، موسسه العلمی، بیروت، اول، ۱۴۱۵.
- ۲۷- طوسی، محمد بن الحسن، الا مالی، محقق قسم الدراسات الاسلامیه، قم، دارالثقافه، اول، ۱۴۱۴.
- ۲۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶.
- ۲۹- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، مترجم: محمد باقر، موسوی، نشر اسلامی، چاپ ۲۸، قم، ۱۳۸۸.
- ۳۰- العجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس، بیروت دارالکتب علمیه، دوم ۱۴۰۱.
- ۳۱- علی بن الحسین، السجاد، صحیفه سجادیه، مترجم: علی نقی فیض الاسلام، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۳۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۶، هجرت، قم ۱۴۱۰.
- ۳۳- فیض کاشانی، تفسیر صافی، محقق محسن، الحسین، الامینی، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۶.
- ۳۴- فاضل، مقداد، کنز العرفان، جلد ۲، منشورات المکتبه، مرتضویه، اول، ۱۳۷۳.
- ۳۵- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۳.
- ۳۶- القاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التاویل، ج ۲، دارالکتب علمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۸.
- ۳۷- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، مصحح علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، دارالکتب اسلامیه، چهارم، تهران، ۱۳۸۸.
- ۳۸- اللیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق حسین الحسن البیر جندی، دارالحديث، اول، ۱۳۷۶.
- ۳۹- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۱، دارالاحیاء، بیروت، سوم، بی تا.
- ۴۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۱۰۱، ، ، ،
- ۴۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۳، ، ، ،
- ۴۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۷، ، ، ،
- ۴۳- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، صدا، چاپ ۸۷، تهران، ۱۳۷۹.

- ۴۴- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، جلد ۱، صدرا، دوم، تهران، ۱۳۷۳.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۷، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳۶، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴۶- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۳، دارالحدیث، هستم، قم، ۱۳۸۱.
- ۴۷- مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۱، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۶۲.
- ۴۸- مفید، محمد بن محمد، تفسیر قرآن، محقق محمد علی ایازی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۴۱۲.
- ۴۹- المتقی الهمدی، علاءالدین، کنز العمال، ج ۱۵، محقق بکر حیانی، صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
- ۵۰- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، آل البيت، اول، قم، ۱۳۶۹.
- ۵۱- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، جلد ۵، محقق محمد فواد عبدالباقی، ناشر دارالاحیاء، بیروت، ۱۴۱۲.
- ۵۲- نراقی، محمد مهدی، جامع السعاده، ج ۱، دارالتفسیر، قم، ۱۴۱۷.
- ۵۳- نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲، دایره المعارف حقه اسلامی، قم، ۱۴۲۱.